



کناره

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، فسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال چهارم، شماره سوم و چهارم، پاییز - زمستان ۱۳۹۸ [انتشار: پاییز ۱۴۰۰]

| ویژه تاریخ زبان و فرهنگ ایران در آذربایجان، قفقاز و آناتولی |

- مسنون: آذربایجان و تاریخ زبان و فرهنگ ایرانی • ظریغ: نسخ پژوهش‌های آذربایجان و آناتولی / علی شاپوریان • ریشه‌شناسی دنام جغرافیایی مروط به آذربایجان اعلیٰ صافیو
نمایندگان و دیگر کنه‌های مخصوص گویشی امغوی / سده احمدیها قائم‌مقامی • آسماء و ایزدان: عوادگانی دور از هم با همراه مترک پادشاهی / بیهوده غولزیزیه، معتقد‌نشینی فرموزی
• اشعار قطب‌اللین عقیقی‌الموی (آبروی) / بهوده‌بلانی • دروده‌تلخ: برگ سلطان سلوچی، آیا سلطان در صفر ۷/۷/۷ قدر گذشتند است؟ / محس شرقی صحی • جلسه‌مشتاق: ردالسنسی
کهن در حسره‌مبارب در مسخ و تبدیل ایلان / امهدی یالخی • ساقی‌تزوی: مقال داستان‌های شاهدند در تبریز و قزوینی / اسکاد آینه • پند اسلام‌پن در نصیحت‌الملوک‌هادر آناتولی اولیل
قون هشم هجری / ایس اس پیکاک از زیسته شکوهی میانی • سه نامه به فارسی سره از شاه هشتم در آناتولی در مدت‌گذشت «نامه سلطان» / امیر به مرشیس • سلطان ولد و طرفت شاعرانه:
پیکانی خصوصیات و کارکرد شمر در سنت مولویه پس از مولانی درمی / اولانکلین پیوسن: ترجمه، مترجم پیکانی خسے • بخشی در راه فردیک المراقة بر مبنای نسخه‌های
علی شاپوران • سفینه‌نویسی و مخدوخته رویس؛ برسن: بو سفینه‌های فارسی در حوزه‌ای از پیش از موقوعه پیکانی / پیش از موقوعه پیکانی در پیشکش افسوس (نسخه ۱۴۵۰)
کتابخانه‌ایلدا / احمد پیشی • نامه درودش کارزنی به سلطان امیرسید گرگان و پیشنهاد اتحاد با سلطان محمد فاتح (کارمندی بر نقش سیلسی صوره در تحولات سده نهم هجری) /
عادل‌الائین شیخ‌الحکماء • سلسلت تاریخ‌گاری فارسی در دیوار سپاهان یکم شله قلم و تکر الجواهر / فوقاد اپسین • در آمادی بر شرح‌های دویان عربی شیرازی در آسیای صخره /
فربنا شکوهی • معرفی کتاب «اسلام» اثبات و جامعه در آناتولی عصر ایلخانی / نوشته‌نامه‌ایلدو سی. اس. پیکاک / داریله دروان‌گنگی (ایران‌گرانی با همکاری عباسی‌ان) /
کامی به کارکه‌ایه باشانی در اوخر سده‌های دور جهان اسلام همان ایلی و شکل دادن بالاگوی حکمرانی عدلی / الدور پیکاک: زندمه علی شاپوران • نقاشی بر آناتولی
تصویر دویان اشعار فارسی پاژور سلطان سلیم / اینها احمدی • شعر و شخصیت همدم و غریزی از او در دویان سعدی (پیوسنگی فرعونی شیرز و شیراز) / محمود عابدی



فهرست

سرخن

آذربایجان و تاریخ زبان و فرهنگ ایرانی / اکبر ایرانی ۵-۳

پیکتار

فارسی: نخ تسبیح پژوهش‌های آذربایجان و آناتولی / علی شاپوران ۱۳-۶

رشد

ریشه‌شناسی ده نام حرف‌ای ایرانی مربوط به آذربایجان / علی اشرف صادقی ۲۲-۱۴
نام آذربایجان و یک نکتهٔ مختصر گویشی لغوی / سید احمد رضا قائم‌مقامی ۲۹-۲۳
آسی‌ها و ایرانیان: عموزادگانی دور از هم با میراث مشترک باستانی / ریچارد فولتز؛ ترجمه: محمد تقی فرامرزی ۴۰-۳۰

آذربایجان و فتح‌هز

اعشار قطب‌اللّٰهین عتیقی اهربی (تبریزی) / بهروز ایمانی ۵۷-۴۱
درباره تاریخ مرگ سلمان ساوجی: آیا سلمان در صفر ۷۷۸ قمری در گلگشته است؟ / محسن شریفی صحنی ۶۰-۵۸
جلیس المشتاق: رمانسی کهن در بحر متقارب، در مسخ و تبدیل ابدان / مهدی بیلانی ۷۶-۶۱
ساقی تبریزی، نقال داستان‌های شاهنامه در تبریز دورهٔ قاجاری / سجاد آینلنلو ۸۲-۷۷

آناتولی

پند سلاطین روم: نصیحة‌الملوک‌ها در آناتولی اوایل قرن هفتم هجری / ای. سی. اس. پیکاک؛ ترجمه: شکوفه بیبدی ۱۰۹-۸۳
سه نامه به فارسی سره از سدهٔ هفتم در آناتولی در دست نوشته «نامه سلاطین» / مزمیر مشمشی ۱۱۷-۱۱۰
سلطان ولد و طریقت شاعرانه؛ پیکرندی خصوصیات و کارکرد شعر در سنت مولویه پس از مولانا رومی / فرانکلین لویس؛ ترجمه: متوجه بیکلی خمسه ۱۳۴-۱۱۸
بحثی دربارهٔ فرهنگ المراقابه‌منای نسخه‌ای کهن / علی شاپوران ۱۴۷-۱۳۵
سفینهٔ توحی و مجموعهٔ روحی؛ بررسی دو سفینهٔ کهن فارسی در حوزهٔ آناتولی / سید علی مرافضی ۱۶۰-۱۴۸
اشعار فارسی گویان سدهٔ هشتم آناتولی در چنگ آتش شهر (نسخهٔ ۱۰۴۲ کتابخانهٔ لین) / احمد بهنامی ۱۶۹-۱۶۱
نامهٔ درویش کازرونی به سلطان ابوسعید گورکان و پیشنهاد اتحاد با سلطان محمد فاتح (گواهی بر نقش سیاسی صوفیه در تحولات سدهٔ نهم هجری) / عمامه‌الدین شیخ الحکمای ۱۸۰-۱۷۰
سیاست تاریخ‌نگاری فارسی در دریار سلیمان یکم؛ شاه قاسم و کنز الجواهر / فرقان ایشان ۱۹۰-۱۸۱
درآمدی بر شرح‌های دیوان عرفی شیرازی در آسیای صغیر / فریبا شکوهی ۲۰۰-۱۹۱

نهودربر

معرفی کتاب «اسلام، ادبیات و جامعه در آناتولی عصر ایلخانی» نوشتهٔ اندره سی. اس. پیکاک / داوید دوران-گلدی (فارسی‌گردانی با همکاری عباس سلیمانی آنگلی) ۲۰۴-۲۰۱
نگاهی به کتاب «بزنگاه پادشاهی در اوایل سده‌های میانه در جهان اسلام: مهاجران ایرانی و شکل دادن به الگوی حکمرانی عثمانی» / اندره پیکاک؛ ترجمه: علی شاپوران ۲۰۶-۲۰۵
تقدیم بر آخرین تصحیح دیوان اشعار فارسی یاوز سلطان سلیم / آینا احمدی ۲۱۸-۲۰۷

خترانی

شعر و شخصیت همام و غزلی از او در دیوان سعدی (پیوستگی فرهنگی تبریزو شیراز) / محمود عابدی ۲۲۶-۲۱۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مترجم: علی شاپوران
مترجم: ایزدیار ایزدیار
مترجم: مسعود راستی پور



۸۹ - ۸۸

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزهٔ نقد و تصحیح
متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دورهٔ سوم، سال چهارم، شمارهٔ سوم و چهارم
پاییز - زمستان ۱۳۹۸ [انتشار: پاییز ۱۴۰۰]

ویژهٔ تاریخ زبان و فرهنگ ایران در آذربایجان،
قفقاو و آناتولی

صاحب امتیاز:

مؤسسهٔ پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر: مسعود راستی پور

دیر و پیشگیر: علی شاپوران

مدیر داخلی: یونس سلیمانی پاک

طراح جلد: محمود خانی

چاپ دیجیتال: میراث

نشانی مجله:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و
ابوریحان، ساختمان فروردین (شماره ۱۱۸۲)، طبقهٔ دوم.

شناستهٔ پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir
gozaresh@mirasmaktoob.ir

بهای: ۴۰۰,۰۰۰ ریال

روی جلد: کتبیهٔ آغازین نسخه‌ای از دانشنامه علایی،
کتابت شده در سدهٔ نهم هجری برای مطالعهٔ سلطان
محمد فاتح (استانبول، سلیمانیه، کتابخانهٔ ایاصوفیه، ش ۲۵۳۱)

تصویر خط بسمله

از نسخهٔ کتابخانهٔ John Rylands

درباره نقائی داستان‌های شاهنامه/ شاهنامه‌ای در آذربایجان دوره قاجار و پهلوی، اشاراتی در سفرنامه‌ها و گزارش‌های جهان‌گردان و محققان خارجی و نیز خاطرات بعضی شخصیت‌های آذربایجانی وجود دارد که پیش‌تر گفته و نوشته شده است (نک. آیدنلو، ۱۳۹۹: ۴۰۱-۴۰۲؛ جعفری قنواتی، ۱۳۹۹: ۱۶۹) و متن یک طومار نقائی مفصل ترکی نیز در سال ۱۳۳۹ ش در تبریز از طرف کتابخانه/ کتاب‌فروشی فردوسی به چاپ رسیده است^۱، ولی یکی از مهم‌ترین شواهد این موضوع (و به نظر نگارنده فعلًا مهم‌ترین و درخور توجه‌ترین سند که تاکنون معروف و بررسی نشده) گزارشی است که در تذکرة حديقة الشعرا اسرار تبریزی آمده است.

اسرار تبریزی، آنگونه که خود در بخش «شمّهای احوال مصنّف» در حديقة الشعرا نوشته است، در سال ۱۲۶۵ق (دوره ناصرالدین شاه) در تبریز زاده شد و در شش‌سالگی به همراه پدرش به ارزروم رفت. در هفده سالگی به خدمت حاج محمد علی خراسانی معروف به رونقعلیشاه درآمد و از جانب او لقب اسرار علی یافت. اسرار در بیست و یک سالگی به زیارت کعبه رفت و پس از بازگشت به تبریز، ازدواج کرد و به کسب مشغول شد. او فهرستی از آثارش را تا سال هزار و دویست و نود و اندی به دست داده که پانزده عنوان است و در میان آن‌ها دیوان (قصاید و ترجیعات و رباعیات) و شرح انوری دیده‌می‌شود (نک. اسرار تبریزی، ۱۳۹۳: ۲۱۳-۲۱۷). مرحوم محمد علی تربیت از نخستین کسانی است که اسرار تبریزی را به کوتاهی معّرفی کرده و چنان‌که در مقدمه مصحّح حديقة الشعرا هم اشاره شده (محمدزاده صدیق، ۱۳۹۳: ۱۴) نوشته او منبع بیشتر کسانی بوده است که بعدها درباره اسرار مطلبی نوشته‌اند. تربیت شمار ابیات دیوان اسرار را بیست و پنج هزار بیت نوشته است (تربیت، ۱۳۷۸: ۸۲-۸۳). تاریخ در گذشت اسرار را مصحّح حديقة الشعرا حدود ۱۳۱۵ق دانسته است (محمدزاده صدیق، ۱۳۹۳: ۲۶).

۲. برای آگاهی بیشتر درباره این طومار رک:

- آیدنلو، سجاد (۱۳۹۶). «معرفی یک طومار نقائی کهن به زبان ترکی». آینه میراث، سال پانزدهم، شماره اول (پیاپی ۶، بهار و تابستان: ۱۲۹-۱۴۹).
۳. برای آگاهی از زندگی و افکار و آثار اسرار تبریزی و منابعی که از او سخن گفته‌اند علاوه بر مقدمه حديقة الشعرا (ص ۱۴-۴۸)، برای نمونه رک:

←

به یاد مرحوم شاکری

نقائی نامدار تبریز در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی

ساقی تبریزی، نقائی داستان‌های شاهنامه در تبریز دوره قاجاری

سجاد آیدنلو

دانشگاه پیام نور اورمیه
aydenloo@gmail.com

نقائی داستان‌های شاهنامه/ شاهنامه‌ای^۱ یکی از نشانه‌های مهم و مردمی توجه علاقه‌مندانه به شاهنامه در شهرها و روستاهای گوناگون ایران است. چون این فن خاستگاه مردمی و جنبه شفاهی دارد، اسناد و مدارک مکتوب اندکی درباره آن از سده‌های گذشته به دست ما رسیده و به همین علت یافته شدن هرگونه اشاره و گزارش کتبی در این باره، حتی اگر یک سطر هم باشد، بسیار مغتنم است.

انتشار و تحلیل گزارش‌ها و اسناد مربوط به فن نقائی در همه شهرها و روستاهای، به روشن تر و پریارتر شدن تاریخچه این هنر در ایران یاری می‌رساند، اما نشر مدارک نقائی و شاهنامه‌خوانی متعلق به آذربایجان، جز این موضوع، ضرورت مهم‌تری هم دارد و آن این که تأیید می‌کند به رغم ادعاهای نامستندی که در سال‌های اخیر مطرح شده، در آذربایجان و نزد آذربایجانی‌ها نیز همواره شاهنامه و داستان‌های ملی-پهلوانی ایران با دلیستگی مورد توجه بوده و نقل روایات غیرایرانی رواج نداشته است؛ زیرا در این منطقه نیز، همچون همه شهرها و نواحی دیگر ایران، شاهنامه فردوسی حماسه ملی ایران و ایرانیان دانسته می‌شده است.

۱. منظور از داستان‌های شاهنامه‌ای آن دسته از روایت‌های پهلوانی است که در شاهنامه نیست و از منظمه‌های پس از فردوسی یا سنت شفاهی و نقائی برگرفته شده است. در این داستان‌ها، رستم و فرزندان و فرزندزادگان او و نیز دیگر یلان ایرانی و تورانی و غیره حضور دارند و چون در ادامه روایت‌های شاهنامه و با محوریت آن‌ها ساخته و پرداخته شده است آن‌ها را در انتساب به شاهنامه، داستان‌های شاهنامه‌ای می‌نامیم.

بسی جا دارد ای ناقل کنی فخر ار به فردوسی
که او حیای رستم کرد و این حیای فردوسی
مولانا چنان رقيق دل بود که شیشه خاطرش هرگز با غبار
بی رحمی زنگ نبسته؛ در میان قصه‌خوانی چون رشته کلام
به قتل سهراب یا سیاوش یا یکی از جوانان ایران می‌رسید
چون زن شکلا ناله وامحتا از دل می‌کشید. گاه می‌شد که
از کثرت رقت و بسیاری ناله گلوبگر شده چند ساعتی
بی اختیار می‌ماند گویا قالب بی روح است. چنانکه روزی
احوالات قتل سهراب را می‌گفت که رقت دست داد. مولانا
ناله وامحتا از دل کشیده عرض کردند مولانا تا
کی خودت را قادری تسلی می‌دهی^۴ به مضمون آیه شریفه
ان الله مع الصابرين عمل نما. مولانا آه کشیده فرمودند
چطور صبر نمایم و با چه حالت نالم؟ مگر فراموش
خواهد شدنوش دارویی که پدرش از طلسم جمشید آورده
بود کیکاووس بی‌ناموس از وی مضایقه کرده بر جوانیش
رحم ننمود:

تکیه بر دینانایید کرده و دل در روی نهاد
آسمان گاهی به مهر است ای برادر گه به کین
(اسرار تبریزی، ۱۳۹۳-۱۳۸۴)

نام و گزارش احوالِ مولانا ساقی در تذکرہ دیگر اسرار تبریزی، یعنی بهجهة الشّعرا، هم بعینه آمده است و فقط در حدّ یکی-دو کلمه و ضبط مصراعی با حدیقة الشّعرا تفاوت دارد. برای نمونه جمله «مولانا از شعرای تبریز است» در بهجهة الشّعرا به این صورت نوشته شده که «این بزرگوار از فحول شعرای تبریز است» یا بیت «تکیه بر دنیا نباید کرد و دل در وی نهاد...» در بهجهة الشّعرا چند سطر پیش تر آمده است (اسرار تبریزی، بهجهة الشّعرا، مجلس: ص ۸۲؛ بـ، یک تفاوت دیگر نک. ادامه).

ساقی تبریزی به تعییر اسرار «از فحول شعرای تبریز» بوده و او را «غزل و قصاید بسیار است» (اسرار تبریزی، ۱۳۹۳) امّا تا جایی که نگارنده جست و جو کرده است ظاهراً نام و شرح زندگی او در مأخذ دیگری دیده نمی‌شود و البته هدف اسرار هم از تألیف حقيقة الشّعراً - همانگونه که خود

۴. ضبط درست این جمله در بهجه الشّعرا چنین است: «ناله تاکی؟ قدری خود را تستلی داده...» (اسرار تبریزی، بهجه الشّعرا، مجلس: ص ۸۳).

۵. فقط در کتاب دانشمندان آذربایجان با استفاده از حدیقة الشّعرا در نیم سطر نوشته شده است «ساقی: قصّه‌خوان و از جمله شعرای حدیقة الشّعرا است» (تاریخ...، ۱۳۷۸: ۲۶۴).

اسرار تبریزی در مقدمه حدیقة الشّعرا می‌گوید که در زمان ناصرالدّین شاه، پس از دیدنِ مجتمع الفصحای رضاقلی خان هدایت، تصمیم می‌گیرد که تذکره‌ای شامل حال چند تن از شعرای معتبر معاصرِ خویش -که نام و اشعارشان در تذکره‌های دیگر نیامده است- تألیف کند و حاصل کار را حدیقة الشّعرا می‌نامد (همان: ۵۸). در این اثر نودویک شاعر در دو «بوستان» و شخصت‌ونه شاعر در بخش «ملحقات» معروفی شده‌اند. مصحّح حدیقة الشّعرا سالِ تألیف این تذکره را ۱۲۸۷ق نوشته‌است (محمدزاده صدیق، ۱۳۹۳، ۲۶) و گلچین معانی (۱۳۶۳، ۱/۴۳۸) سال ۱۲۹۵ق، اما از مقدمه تذکره بهجهة الشّعرا، اثر دیگر اسرار، معلوم می‌شود که او حدیقة الشّعرا را -که نسبت به بهجهة الشّعرا مجموعه کوچکی بوده- در سال ۱۲۹۸ق تدوین کرده‌است:

... تادر سنه هزار و دویست و نود و هشت اتفاق سفری افتاد
چون ایام تعطیل و بیکاری بود احوالات چند نفر از مشاهیر و
معارف آنها را انتخاب نموده مجموعه کوچکی مسمی به
حدیقة الشّعرا نوشت. (همان: ۱۳۱/۱؛ نیز نک. اسرار تبریزی، بهجه
الشّعرا، مجلس: ص ۳)

در حدیقة الشّعراً یکی از سخنوران تبریز با نام / تخلص
«مولانا ساقی»، نقالی معروفی شده که بهمدتِ چهل سال
داستان‌های رستم را نقل می‌کرده و شاهنامه را از بر
داشته است. این گزارش مهم درباره نقال تبریزی و حالاتِ
نقالی او در تبریز روزگار قاجار را به قلم اسرار می‌خوانیم:

قصه‌خوانی بود که هزار فردوسی طوسی را درس دانشوری می‌گفت. نقالی بود که صد نظامی گنجه‌ای رازیان سخنوری می‌گشود. مولانا از جمله شعرای تبریز است. کسبش قصه‌خوانی، مددت چهل سال است که مدح رستم دستان و نقل رزم آن پهلوان را می‌کند. ذخیره سی ساله فردوسی طوسی، مخ و نگنجه آن صاحب‌کمال است:

اثرآفرینان؛ زیر نظر محمد رضا نصیری (تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۴: ج ۱، ص ۲۲۴-۲۴۳)؛

سخنوران آذربایجان (از قطران تا شهریار)، عزیز دولت‌آبادی (تبریز: ستوده، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۵۰۰-۵۰۹)؛

مفاخر آذربایجان، [عبدالرحیم] عقیقی بخشایشی (تبریز: نشر آذربایجان، ۱۳۷۵: ج ۳، ص ۱۴۲۴-۱۴۲۵).

واردیرئی گرچاک گریبان اندھسن

وور باشیوا جاری اتلہ هم اشک بصر

ترجمه: ای دل رستم شیرهُنر، چگونه مُرد (یاچه شد؟)^{۱۱}/برادرش او را
به چاه افکند و ظلم کرد/ سزاست اگر گریبان خود را چاک
کنی/ بر سرت بزن و اشک چشم را جاری کن.

این که شاعری صاحبِ دیوان با تخلصِ معین، چهل سال در تبریز به کار نقالی داستان‌های شاهنامه و قصه‌خوانی پرداخته نشان‌دهندهٔ پیوند بسیار نزدیک این فن با ادبیات رسمی ایران در عصر قاجاری است و این را باید از نتایج رونق و نفوذ نقالی در این دوران دانست. فن نقالی هنر و سرگرمی عameه مردم است و معمولاً شعر و نویسنده‌گان ادب رسمی ایران بهنوعی از آن فاصله گرفته یا بدان بی‌توجهی یا کم‌توجهی کرده‌اند تا بهزعم خویش، از جرگه عوام بیرون و متمایز بوده‌باشند. اما در روزگار صفوی و به‌ویژه قاجاری، به‌سببِ تداول و شهرت نقالی و نیز آمدن بخشی از شعر رسمی فارسی از دربارها به کوچه و بازار و میان مردم، فاصله و تمایز نقالی، به عنوان یکی از شاخه‌های ادب عامه، با ادبیات رسمی و جدی بسیار کمتر شده‌است و افزون بر تلمیحات بعضی شعراء به نام‌ها و داستان‌های مبنی بر سنت نقالی و شفاهی- عامیانه^{۱۲} می‌بینیم که شاعری تبریزی حتی خود چهل سال به این فن اشتغال داشته‌است؛ کاری که شاید پیش از دورهٔ صفویه و قاجار بسیار کم‌سابقه و نادر بوده^{۱۳} و چه بسا دون شان و مرتبت شاعری و نویسنده‌گی هم دانسته می‌شده‌است.

به رغم پیشینهٔ چندصدساله نقالی در ایران (دراین باره، رک.

۱۱. «اولدی» در زبان ترکی با دو تلفظ به دو معنایست. یکی «اولدی» (با صوت ۀ) به معنی «مرد» و دیگری «اولدی» (با صوت ۀ) به معنی «شد». چون در این مصراع هر دو خوانش و معنای این کلمه مناسب موضوع است به هر دو صورت ترجمه شده.

۱۲. دراین باره و برای دیدن برخی نمونه‌های مهم، نک: آیدنلو، سجاد (۱۳۹۶). «بعضی اشارات و تلمیحات حماسی برگرفته از روایتهای نقالی و شفاهی - عامیانه در شعر فارسی». فرهنگ و ادبیات عامه، سال پنجم، ش ۱۸ (بهمن و اسفند): ۶۷-۱۰۳.

۱۳. نمونه دیگر محمد بقای وارس بخاری (ظاهرًاً اواخر سده دهم و سده یازدهم) صاحب طومار بحر التواریخ است که به تصریح تذکرۀ مذکور اصحاب هم قصه‌خوانی و حکایت‌گزاری می‌کرده و هم شاعر بوده‌است (رک. مليحای سمرقندی، ۱۳۹۰: ۵۲۱). از دوست دانشورم، جناب دکتر محمد جعفری قنواتی، برای یادآوری این نکته بسیار سپاسگزارم.

در مقدمه گفته - معرفی شعرایی بوده‌است که در تذکره‌های دیگر از قلم افتاده بوده‌اند. چون اسرار تبریزی شاعران هم‌روزگار خویش را در حدیقه الشّعرا شناسانده‌است، ساقی تبریزی را هم باید از گویندگان دورهٔ قاجار در قرن سیزدهم هجری و احتمالاً عصر ناصرالدین شاه به‌شمار آورد. اسرار سه رباعی ترکی از ساقی تبریزی نقل کرده و نوشته‌است که آنها را «در مصیبت محمدخان خود گفته» (همان: ۱۳۹۰)^{۱۴}. از آن‌جا این سه رباعی با موضوع کار چهل ساله ساقی، یعنی نقالی، مرتبط و درباره سه پهلوان/ شخصیت شاهنامه است متن و ترجمة تقریباً کلمه‌به‌کلمه (اصطلاحاً تحت‌اللفظی) آن‌ها را می‌آوریم:

در مصیبت سه راب بیل:

یاندیردی منی جاهاندا سه راب غمی
باشیما سالیبدی شور و درد و المی
اول ریش دراز سوکدؤ پهلوسونو گور
بوندان بله خشک چون اولا چشم نمی

ترجمه: در جهان غم سه راب مرا سوخت/ شور و درد و الم به سرم
انداخته‌است/ بیین: آن ریش دراز پهلوی او را درید/ پس از
این نم چشم چگونه خشک خواهد شد؟

در مصیبت سیاوش فرماید:

صد حیف سیاوش پریشان شد/ ایران جملگی با این غم
ایران بو غمایله جمله ویران اولدو
سودابه تکین...^{۱۵} دن او ترؤ فاچدی^{۱۶}
توران گلیب^{۱۷} قانینا غلطان اولدو

ترجمه: صد حیف سیاوش پریشان شد/ ایران جملگی با این غم
ویران شد/ به‌سبب بدکارهای مانند سودابه گریخت/ به توران
آمد و در خونش غلتان شد.

در مصیبت رستم فرماید:

ای دل نجه اولدی رستم شیرهُنر
سالدی قویویا قارداشی ظلم اثتدی پسر

۶. نگارنده نمی‌داند که این «محمدخان» مهتر و مددوح ساقی بوده‌است یا به‌قرينۀ ضمیر «خود» که اسرار نوشته، فرزند یا محبوب او.

۷. ضبط بهجهة الشّعرا (سیاوشش) است.

۸. کلمه‌ای که برای رعایت ادب قلم حذف شده واژه‌ای است به معنای «روسپی».

۹. در بهجهة الشّعرا «گندی» نوشته شده که به معنای «رفت» است.

۱۰. نگاشته بهجهة الشّعرا «قاچوب» است یعنی «گریخت».

که فردوسی «احیای رستم کرد» به بیت مشهوری نظر داشته است که از فردوسی نیست، اما ظاهراً از حدود سده یازدهم به بعد به نام او شهرت یافته و غالباً در مجالس نقالی و شاهنامه خوانی متدالوی بوده است. آن بیت که فردوسی را عامل برکشیدن رستم از جایگاه یلی سیستانی به مقام رستم داستان و پهلوانی نامدار می‌داند، این است:

که رستم یلی بود در سیستان
منش کردم رستم داستان^{۱۵}

این نکته را هم باید یادآور شد که ضبط مصراج او لبیتی که اسرار در وصف ساقی آورده در تذکرۀ دیگر او، بهجه الشّعرا، متفاوت و به این صورت است «تفاخر نیست بر فردوسی از گفتار سی‌ساله» (اسرار تبریزی، بهجه الشّعرا، مجلس: ص ۸۲).

در روزگار رواج و رونق نقالی (یعنی عصر صفوی و قاجاری) داستان‌های شاهنامه/ شاهنامه‌ای از طریق هنر نقالان چنان در میان مردم نفوذ یافته و تأثیر گذاشته بود که بیشتر شنوندگان این روایات و حاضران مجالس نقل با بعضی داستان‌ها و شخصیت‌های شاهنامه‌ای پیوندهای عمیق و حتی عجیب عاطفی و احساسی برقرار کرده بودند و گویی با آن کسان و روایتها می‌زیستند. گزارش‌هایی از مجالس نقالی دوره قاجار و پهلوی موجود است که مطابق آن‌ها، گاهی شنوندگان و مخاطبان نقالان می‌کوشیدند با تطمیع یا تهدید نقال، پایان داستان رستم و سهراب را تغییر بدنهند و مانع از کشته شدن پسر به دست پدر بشوند یا پس از روی دادن حادثه اندوبار پسرکشی به شیون و زاری می‌پرداختند (برای آگاهی بیشتر و دیدن گزارش‌ها و منابع آن‌ها، رک. آیدنلو، ۱۳۹۶: ۲۹۷؛ همو، ۱۳۹۱: ۲۹۱-۲۹۲).

در حدیقه الشّعرا هم می‌بینیم که خود ساقی تبریزی هنگام نقل داستان‌های کشته شدن سهراب یا سیاوش یا دیگر جوانان دلاور شاهنامه (شاید مثلاً فرود و اسفندیار هم)

۱۵. برای آگاهی بیشتر درباره این بیت، نک: آیدنلو، سجاد (۱۳۹۳). «درباره بیت: که رستم یلی بود در سیستان...». گزارش میراث، دوره دوم، سال هشتم، شماره سوم و چهارم (پیاپی ۶۴-۶۵، مرداد-آبان): ۲۱-۲۳.

خطیبی، ابوالفضل (۱۳۹۸). «درباره دو بیت معروف منسوب به فردوسی». در: جشن‌نامه دکتر سیروس شمیسا. به کوشش دکتر یاسر دالوند. تهران: کتاب سده. ص ۳۵۸-۳۵۹.

آیدنلو، ۱۳۹۱: ۲۵-۲۷)، شواهد کاربرد دو لغت «نقال» و «نقالی» در متون فارسی، در معنای اصطلاحی «راوی و روایت داستان‌های شاهنامه‌ای»، چندان قدیمی نیست و بر اساس بررسی‌های نگارنده^{۱۶}، ظاهراً پیش از دوره قاجار به کار نرفته است. در فرهنگ بزرگ سخن برای «نقالی» جمله‌ای از کتاب سرگذشت حاجی بابای اصفهانی (نوشته زمان فتحعلی شاه قاجار) به شاهد آمده است (انوری، ۱۳۸۲: زیر مدخل) و این جمله اسرار که ساقی «نقالی» بود که صدق‌نظالمی گنجه‌ای را زبان سخنوری می‌گشود^{۱۷} گواهی دیگر برای کاررفت اصطلاح «نقال» از دوران ناصرالدین شاه است. اسرار در توصیف هنر نقالی ساقی تبریزی نوشته است «ذخیره سی‌ساله فردوسی طوسی مخزون گنجینه آن صاحب‌کمال است». این جمله را به دو گونه می‌توان تفسیر کرد: یکی این‌که ساقی همه ابیات شاهنامه را از حفظ داشته و طبعاً در نقالی‌های خویش بهمناسبت از آن‌ها بهره می‌گرفته است؛ دیگر این‌که او موضوع و جزئیات همه داستان‌های شاهنامه را به خاطر داشته و با دقّت نقل می‌کرده است. برداشت نخست (حفظ بودن کل متن منظوم شاهنامه) به ذهن نزدیک‌تر و آشنا‌تر است ولی تعبیر دوم (در ذهن داشتن ظرایف و دقایق همه روایات شاهنامه) از آن روی محتمل است که ساقی نقال بوده و نقالان برخلاف شاهنامه‌خوانان - که فقط ابیات شاهنامه را از روی متن مكتوب شاهنامه یا حافظه می‌خوانندند- داستان‌ها را به نشر بیان می‌کرند/ می‌کنند و در میانه نقال منشور، بیت‌هایی از فردوسی یا گویندگان دیگر را چاشنی سخن خود می‌کرند/ می‌کنند.

در بیتی هم که اسرار تبریزی برای تأیید و تأکید تسلط ساقی بر ابیات و روایات شاهنامه آورده از او بالفظ «ناقل» یاد کرده (بسی جا دارد ای ناقل...) که صورت دیگری از «نقال» است و با مبالغه گفته که سزاوار است ساقی تبریزی به فردوسی طوسی فخر بفروشد، زیرا فردوسی با شعر خویش رستم را زنده کرده و ساقی، با نقل هنرمندانه خویش، گویی فردوسی را دوباره زنده کرده است. احتمالاً اسرار در این تعبیر

۱۶. برای این جست‌وجو از پیکره زبانی گروه فرهنگ‌نویسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز، به لطف جناب دکتر ابوالفضل خطیبی، استفاده شده است.

شفاهی- عامیانه فعلاً چاپ شده نیست و فقط در یکی از طومارها (نسخه مورخ ۱۲۴۵ق کتابخانه مجلس) تعبیر «نوش‌دارو که در خزینه جمشید است» (رسمنامه نقلاً، ۱۳۹۸: ۱۷۷) به کار رفته که این هم ربطی به «طلسم جمشید» ندارد. به علت ماهیت شفاهی نقل داستان‌های شاهنامه، گزارش‌های نقلاً مختلف از داستان‌های واحدی مانند رستم و سهراب در جزئیات تفاوت‌هایی داشت و حتی نقل‌های متعدد یک نقال از یک داستان نیز در چند مجلس گاهی دقیقاً مشابه نبود. بر اساس این ویژگی، در بیشتر روایات نقلاً، ظرایف داستانی تازه و نادری وجود دارد و از جمله ساقی تبریزی در حدیقة الشّعرا (درباره نوش‌دارو و طلسماً جمشید) می‌توان گفت که نقل داستان رستم و سهراب او هم در تبریز با دیگر نقلاً و سایر روایت‌های این داستان اختلافاتی داشته است.

گزارش کوتاه اما بسیار مهم اسرار تبریزی در حدیقة الشّعرا سنده ارزشمند دیگری برای جایگاه هزارساله محترم و پر اقبال شاهنامه در آذربایجان است و نشان می‌دهد که نقلاً داستان‌های ملی-پهلوانی ایران آنچنان در تبریز دوره قاجار متداول و مورد توجه بوده که یکی از شعرای تبریز چهل سال به این کار می‌پرداخته است. همچنین این فن و موضوع آن، یعنی شخصیت‌ها و داستان‌های شاهنامه، چنان در میان مردم نفوذ داشته که نقال در مجالسی مانند نقل کشته شدن سهراب و سیاوش همچون مادران فرزندمرده ضجه‌گردی و پریشان می‌شده است. افزون بر این، در تبریز و آذربایجان نیز بهسان شهرها و مناطق دیگر ایران بعضی روایت‌های نقلاً و شفاهی شاهنامه در جزئیات با اصل سروده فردوسی و روایت‌های سایر نقلاً تفاوت‌هایی داشته است. اهمیت دیگر نوشتة حدیقة الشّعرا این است که نام یکی از نقلاً آذربایجانی شاهنامه را از دوره قاجار حفظ کرده و به ما رسانده است. نقلاً، به تعبیر زیبای شاهرخ مسکوب، «خدمان بی‌نام و نشان شاهنامه» (مسکوب، ۱۳۵۶: صفحه تقدیم کتاب) بودند و هستند و در منابع ادبی و تاریخی گذشته به آنان چندان توجه نشده و نامشان نیامده است؛ از این روی اشاراتی نظری آنچه در حدیقة الشّعرا اسرار تبریزی می‌یابیم بسیار مهم و مغتنم است.

بسیار بی‌تابی می‌کرده و از شدت زاری و ناله صدایش می‌گرفته و بی‌حس و حال می‌شده است. این موضوع از این جهت مهم و توجه‌برانگیز است که در اغلب نمونه‌های دیگر، شنوندگان حاضر در محافل نقالی می‌گریند و آه می‌کشند، اما در این گزارش، ساقی- که خود نقال و راوی بوده- چهار این حالات می‌شده و این، تأثیر واقعی و ژرف داستان‌های شاهنامه را در ذهن و روح و دل او و میزان دل‌بستگی فراوان این شاعر و نقال آذربایجانی را به شاهنامه و اشخاص آن به خوبی عیان می‌کند؛ چنان‌که از فرط ناراحتی و غلیان احساسات، کاووس، پادشاه ایران، را «بی‌ناموس» می‌خواند. ضمن این‌که می‌توان تصوّر کرد با این شور و حال ساقی تبریزی چه غوغایی در مجالس نقل او در تبریز بپریا می‌شده است و حاضران (تبریزیان شاهنامه‌دوست) در آنجا چه واکنش‌هایی از خود نشان می‌داده‌اند و این البته در اشارت حدیقة الشّعرا هم دیده‌می‌شود که شنوندگان نقل ساقی می‌خواهند او را آرام کنند.

پس از دوره زندگی ساقی هم اشاراتی هست که بعضی نقلاً هنگام نقل داستان‌های شاهنامه، به‌ویژه روایت سهراب‌کشان، از خود بی‌خود شده‌اند و مثلاً یکی چنان عقل و دل از دست داده که پسر هجدۀ ساله‌اش را- که عهده‌دار نقش سهراب بوده- به خنجر پهلو دریده و کشته است و دیگری (شادروان استاد مصطفی سعیدی) در نقل داستان کشته شدن سیاوش بی‌هوش شده و یکی دیگر (مرحوم مرشد ولی الله ترابی) در نقل سهراب‌کشی خنجر را در پهلوی خود فرو برده است (برای این وقایع، رک. عناصری، ۱۳۶۸: ۶۵۲؛ موسوی، ۱۳۸۲: ۲۵، ۲۴، ۱۳).

با بر نوشتة اسرار، هنگامی که حاضران مجلس سهراب‌کشان از ساقی تبریزی می‌خواهند صبر و آرامش خود را حفظ کند و برای کشته شدن سهراب جوان این اندازه محزون و رنجور نشود، پاسخ می‌دهد «... مگر فراموش خواهد شد نوش‌دارویی که پدرش از طلسماً جمشید آورده بود کیکاووس بی‌ناموس از وی مضایقه کرده...». تا جایی که نگارنده دیده است و حضور ذهن دارد این داستان- که رستم نوش‌دارو را از طلسماً جمشید بیرون آورده و به خزانه کاووس سپرده است- در روایات نقلاً و

منابع

- مليحای سمرقندی (۱۳۹۰). مذکر الاصحاب. تحقیق و تصحیح محمد تقی. تهران: کتابخانه مجلس.
- موسوی، سید سیامک (۱۳۸۲). نقل و نقالی (سید مصطفی سعیدی و روایت‌هایش). خرم‌آباد: افلاک.
- منابع دیجیتال
- پیکره‌زبانی گروه فرهنگ‌نویسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- آیدنلو، سجاد (۱۳۹۶). «رساله‌ای در نقد نقالی از دوره قاجاری». در: در حضرت سیمیرغ (بیست و پنج مقاله درباره شاهنامه و ادب حماسی ایران). تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افسار و سخن. ص ۲۸۱-۳۰۸.
- طومار نقالی شاهنامه (مقدمه) (۱۳۹۱). ← طومار نقالی شاهنامه (مقدمه)
- درباره جایگاه آذربایجان، ترکان و زیان ترکی در شاهنامه و پایگاه هزار ساله شاهنامه در آذربایجان). تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افسار و سخن.
- اسرار تبریزی، محمد کاظم. بهجه الشّعرا. نسخه خطی شماره ۵۸۹۰۷ کتابخانه مجلس. به خط حسن حسینی. مورخ ۱۰ صفر ۱۲۹۹ق. ۱۰۲ برگ.
- حدیقة الشّعرا. مقدمه و تصحیح حسین محمدزاده صدیق. تهییه و تنظیم محمد باقر باقری. تهران: تکدرخت.
- انوری، حسن (سرپرست) (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.
- تربیت، محمدعلی (۱۳۷۸). دانشنمندان آذربایجان. به کوشش غلامرضا طباطبایی مجده. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- جعفری قنواتی، محمد (۱۳۹۹). «آذربایجان و شاهنامه، پاسخ به یک ضرورت ملی». فرهنگ‌بان، سال دوم، ش ۶ (تابستان): ۱۶۲-۱۷۳.
- رستمنانه نقالان (۱۳۹۸). مقدمه و تصحیح محمد جعفر یاحقی و فاطمه ماہوان. تهران: سخن.
- طومار نقالی شاهنامه (۱۳۹۱). تصحیح سجاد آیدنلو. تهران: بهنگار.
- عناصری، جابر (۱۳۶۸). «شاهنامه‌خوانی گلچرخی در میانه میدان نمایش‌های اسطوره‌ای». چیستا، ش ۵۹ و ۶۰ (تیر و مرداد): ۶۴۶-۶۵۵.
- گلچین معانی، احمد (۱۳۶۳). تاریخ تذکره‌های فارسی. تهران: سناپی.
- محمدزاده صدیق، (۱۳۹۳). ← اسرار تبریزی، ۱۳۹۳ (مقدمه)
- مسکوب، شاهرخ (۱۳۵۶). مقدمه‌ای بر رسم و اسفندیار. تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.



Table of Contents

Editorial

- Azarbajian and the History of Persian Language and Culture/ **Akbar IRANI** 3-5

Introduction

- Persian: the string binding Different Azarbajian and Anatolia Studies together / **Ali SHAPOURAN** 6-13

The Roots

- The Etymology of Ten Geographical Names Related to Azarbajian / **Ali Ashraf SADEGHI** 14-22
The Name Azarbajian and a Brief Phonetic Lexical Point / **Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI** 23-29
The Ossettes and the Persians: Distant Cousins with a Common Ancient Heritage / **Richard Foltz**; Translated by **MohammadTaqi FARAMARZI** 30-40

Azarbajian and Caucasus

- The Poems of Qutb al-Dīn-i Atīqī of Ahar (Tabriz) / **Behrouz IMANI** 41-57
On Salmān Sāvajī's Death Date: Did Salmān Die in Safar of 778 A.H? / **Mohsen SHARIFI SAHI** 58-60
Jalīs al-Mushtāq: An Old Romance in Motaqārīb Metre about Transmogrification and Reincarnation / **Mahdi YEILAGHI** 61-76
Sāqī-yī Tabrizi: A *Naqqāl* (Storyteller) of the *Shāhnāma* from Tabriz in the Qajar Period / **Sajjad AYDENLOO** 77-82

Anatolia

- Advice for the Sultans of Rum: The “Mirrors for Princes” of Early Thirteenth-century Anatolia / **Andrew C. S. PEACOCK**; Translated by **Shokoofe MAYBODI** 83-109
Three Letters in “Pure Persian” from Thirteenth-century Anatolia in the Manuscript of *Nāma-yi Salātīn* / **Maryam MIRSHAMSI** 110-117
Sultān Valad and the Poetical Order: Framing the Ethos and Praxis of Poetry in the Mewlewi Tradition after Rumi (Revised) / **Franklin LEWIS**; Translated by **Manouchehr BIGDELI KHAMSE** 118-134
A Discussion on the Arabic-Persian Dictionary *al-Mirqāt* Based on Its Oldest Manuscript / **Ali SHAPOURAN** 135-147
Safīna-yi Nūhī va *Majmū'a-yi Rūhī*: Surveying Two Old Persian Collections from Anatolia / **Seyyed Ali MIRAFZALI** 148-160
The Poems of Persian Composers in Fourteenth-century Anatolia in Âq-Shahr (Akşehir) Collection (MS Or. 1094 Leiden Library) / **Ahmad BEHNAMEI** 161-169
A Letter from a Kāzirūnī Dervish to the Timurid Abū-Sa'īd, Proposing the Alliance with Ottoman Muhammad I (the Conqueror): a Testimonial for Political Role of Sufis in Fifteenth Century / **Emadoddin SHEYKHOLHOKAMEI** 170-180
The Politics of Historiography in Süleyman's Court: Shah Qāsim and *Kanz al-Javāhir* / **Furkan İŞİN** 181-190
An Introduction to Treatises and Interpretations to the 'Urfī-yi Shirazi's *Divan* in Asia Minor / **Fariba SHOKUHI** ... 191-200

Reviews and Critiques

- A. C. S. Peacock, *Islam, Literature and Society in Mongol Anatolia* (Cambridge: Cambridge University Press, 2019) / **David DURAND-GUÉDY** (Review) 201-204
Christopher Markiewicz, *The Crisis of Kingship in Late Medieval Islam: Persian Emigres and the Making of Ottoman Sovereignty* (Cambridge: Cambridge University Press, 2019) / **Andrew C. S. PEACOCK** (Review) 205-206
A Criticism on the Last Published Edition of The Persian *Divan* of Yavuz Sultān Selīm / **Anita AHMADI** 207-218

Lecture

- The Poems and the Character of Humām-i Tabrizi and His Ghazal in Sa'dī's *Divan*: The Cultural Binding of Tabriz and Shiraz / **Mahmoud ABEDI** 219-226

Gozareh-e Miras
Quarterly Journal of Textual Criticism,
Codicology and Iranology
Third Series, vol. 4, no. 3 - 4, Autumn 2019 - Winter 2020
[Pub. Autumn 2021]
**Dedicated to History of Persian Language and Culture
in Azarbaijan, Caucasus, and Anatolia**

Properietor:
The WRITTEN HERITAGE RESEARCH INSTITUTE

Managing Director & Editor-in-Chief:
Akbar Irani

Assistant Editor:
Masoud Rastipour

Guest Editor:
Ali Shapouran

Managing Editor:
Younes Taslimi-Pak

Cover:
Mahmood Khani

Print:
Miras

**No. 1182, Enghelab Ave.,
Between Daneshgah St. & Abureyhan St.,
Tehran, Iran**

Postal Code: 1315693519
Tel: 66490612, **Fax:** 66406258
Website: www.mirasmaktoob.ir
E-mail: gozaresh@mirasmaktoob.ir

| Dedicated to History of Persian Language and Culture in Azarbaijan, Caucasus, and Anatolia |

Table of Contents

Editorial

- Azarbaijan and the History of Persian Language and Culture / Akbar IRANI 3-5

Introduction

- Persian: the string binding Different Azarbaijan and Anatolia Studies together / Ali SHAPOURAN 6-13

The Roots

- The Etymology of Ten Geographical Names Related to Azarbaijan / Ali Ashraf SADEGHİ 14-22
 The Name Azarbaijan and a Brief Phonetic Lexical Point / Seyyed AhmadReza QAEEMQAQAMI 23-29
 The Ossettes and the Persians: Distant Cousins with a Common Ancient Heritage / Richard FOLTZ; Translated by MohammadTaqi FARAMARZI 30-40

Azarbaijan and Caucasus

- The Poems of Qutb al-Dīn-i Atīqī of Ahar (Tabriz) / Behrouz IMANI 41-57
 On Salmān Sāvajī's Death Date: Did Salmān Die in Safar of 778 A.H? / Mohsen SHARIFI SAHI 58-60
Jalīs al-Mushtāq: An Old Romance in Motaqārīb Metre about Transmogrification and Reincarnation / Mahdi YEILAGHI 61-76
 Sāqī-yī Tabrizi: A *Naqqāl* (Storyteller) of the *Shāhnāma* from Tabriz in the Qajar Period / Sajjad AYDENLOO 77-82

Anatolia

- Advice for the Sultans of Rum: The "Mirrors for Princes" of Early Thirteenth-century Anatolia / Andrew C. S. PEACOCK;
 Translated by Shokoofe MAYBODI 83-109
 Three Letters in "Pure Persian" from Thirteenth-century Anatolia in the Manuscript of *Nāma-yi Salātīn* / Maryam MIRSHAMSI 110-117
 Sultān Valad and the Poetical Order: Framing the Ethos and Praxis of Poetry in the Mewlewi Tradition after Rumi (Revised)/
 Franklin LEWIS; Translated by Manouchehr BIGDELI KHAMSE 118-134
 A Discussion on the Arabic-Persian Dictionary *al-Mirqāt* Based on Its Oldest Manuscript / Ali SHAPOURAN 135-147
Safīna-yi Nūhī va Majmū'a-yi Rūhī: Surveying Two Old Persian Collections from Anatolia / Seyyed Ali MIRAFZALI 148-160
 The Poems of Persian Composers in Fourteenth-century Anatolia in Āq-Shahr (Akşehir) Collection (MS Or. 1094 Leiden Library) / Ahmad BEHNAMI 161-169
 A Letter from a Kāzirūnī Dervish to the Timurid Abū-Sa'īd, Proposing the Alliance with Ottoman Muhammad I (the Conquerer): a Testimonial for Political Role of Sufis in Fifteenth Century / Emadoddin SHEYKHOLHOKAMEI 170-180
 The Politics of Historiography in Süleyman's Court: Shah Qāsim and *Kanz al-Javāhir* / Furkan İŞİN 181-190
 An Introduction to Treatises and Interpretations to the 'Urfi-yi Shirazi's *Divan* in Asia Minor / Fariba SHOKUHI 191-200

Reviews and Critiques

- A. C. S. Peacock, *Islam, Literature and Society in Mongol Anatolia* (Cambridge: Cambridge University Press, 2019) / David DURAND-GUÉDY (Review) 201-204
 Christopher Markiewicz, *The Crisis of Kingship in Late Medieval Islam: Persian Emigres and the Making of Ottoman Sovereignty* (Cambridge: Cambridge University Press, 2019) / Andrew C. S. PEACOCK (Review) 205-206
 A Criticism on the Last Published Edition of The Persian *Divan* of Yavuz Sultān Selīm / Anita AHMADI 207-218

Lecture

- The Poems and the Character of Humām-i Tabrizi and His Ghazal in Sa'dī's *Divan*: The Cultural Binding of Tabriz and Shiraz / Mahmoud ABEDI 219-226